



کتاب خورشید

سه نقطه

مجموعه داستان
علی دلکشایی

سرشناسه: دلکشایی، علی: ۱۳۵۹، Ali Delgoshaee
عنوان و پدیدآور: سه نقطه: مجموعه داستان‌های کوتاه / علی
دلکشایی: -

مشخصات نشر: تهران: کتاب خورشید، ۱۳۸۶.

مشخصات ظاهری: ۱۴۰ صفحه

فروست: کتاب خورشید: ۷۰ داستان: ۲۱

شابک: ۵-۶۶-۷۰۸۱-۹۶۶-۹۷۸

یادداشت: فیفا

یادداشت: عنوان به انگلیسی: Three Points

موضوع: داستان‌های کوتاه فارسی - قرن ۱۴

رده بندی کنگره: ۱۳۸۶ ۹۶۶ / ۷۲۵ / PIR ۸۰۲۲

رده بندی دیویی: ۸۱۳ / ۶۲

شماره کتابخانه ملی: ۱۱۱۷۹۵۳



کتاب خورشید

سه نقطه

مجموعه داستان‌های کوتاه

علی دلگشایی

اداره سازی / کتاب خورشید، لیتوگرافی / ایران، چاپ و سحافی / نقش هزار رنگ
دارای مجوز دائمی نشر از وزارت ارشاد به شماره ۲۰۶۱۹، تاریخ صدور ۱۳۸۷/۲/۲
چاپ اول / ۱۳۸۷ خورشیدی، شمارگان / ۱۱۰۰ نسخه

کتابه حقوق این اثر متعلق به انتشارات کتاب خورشید است و هرگونه استفاده بازرگانی از تمامی با بخششی از این اثر اعمه از اقتباس، بازویرسی، ضبط کامپیوتری، تکثیر و یا هر صورت دیگری ممنوع است.
شابک: ۵-۶۶-۷۰۸۱-۹۶۶۰-۹۹۸ قیمت: ۱۶۰۰ تومان

کتاب خورشید: تهران، ۱۳۳۶-۱۳۳۷. خیابان اسدآبادی

خیابان سینا، شماره ۵۲ واحد ۱

صندوق پستی ۱۴۳۳۵-۳۲۸

تلفون: ۸۸۷۲۲۲۲۲ دو: فکس: ۸۸۷۲۱۰۹۹

از پایگاه اینترنتی کتاب فروشید دیدن کنید و تقفیف بگیریید.

www.ketab-e-khoshid.com

info@ketab-e-khorshid.com

فروش و انکسار و نیکم : www.iketab.com

فهرست

۷	مقدمه
۹	مادر
۲۱	آخرین سیگار یک محکوم به مرگ
۲۹	سمفونی مرگ
۳۳	قطار ۶:۳۰
۳۷	به سوی خوشبختی
۴۱	نیم ساعت قبل از قطار ۶:۳۰
۴۹	یک فکر منحرف
۵۹	مسافر
۶۳	دو دقیقه و سی ثانیه

جایی در همین حوالی.....	۶۹
جنوی عاشقی.....	۷۷
کویر.....	۸۷
حسرت و آرزو.....	۹۹
پیر مرد و دریا.....	۱۰۵
عشق و دیگر هیچ.....	۱۰۹
عشق ابدی.....	۱۱۹
سه نقطه.....	۱۲۹

به نام مادر

چه خوب است وقتی آخرین سیگار یک محکوم به مرگ رو به اتمام است، تنها سمفونی مرگ به گوش نرسد بلکه حس مسافری باشد سوار بر قطار ۶:۳۰ که به سوی خوشبختی می‌رود و تنها نیم‌ساعت قبل از قطار ۶:۳۰، هنگام مرور گذشته، حضور عشق را در لحظه‌لحظه‌های سپری‌شده حس کند.

شاید یک فکر منحرف بگوید که این مسافر، در این دو دقیقه و سی ثانیه سعی دارد با آخرین تانگوی کلمات، فریاد عاشقی سردهد در حالی که پشیمان خواهد شد، مانند آنهایی که روزی به گمان عاشقی دل به هم بستند، غافل از اینکه جایی در همین حوالی،

تنها در جوی عاشقی افتادند. سال‌ها مانند دانه شنی در کویر
سرگردان ماندند و در حسرت و آرزو سوختند.

ولی این بی‌نام می‌گوید: شاید جوان باشم و ناپخته ام، همچون
پیرمردی در دریا، به ساحل ماندگاری رسیدم که حتی مرگ هم
برای آن پایانی نیست. فقط عشق و دیگر هیچ...

تقدیم به تینا

که نگاهش شوق زندگی‌ام شد و دستانش عشق ابدی‌ام.

سه نقطه